



**سجاد پور** – پیکر نیمه جان جوان ۲۹ ساله‌ای که آثار شکنجه روی پیکر ش نمایان بود، روز گذشته در بیابان‌های حاشیه مشهد کشف شد اما او دقیقی بعد در بیمارستان جان سپرد و بدین ترتیب جنایت هولناک در سناریوی رمزآلود قرار گرفت. به گزارش روزنامه خراسان، سیدیه دم روز گذشته، جوان ۳۳ ساله‌ای که با پابندهای الکتریکی از زندان آزاد شده است، از گوشی تلفن یک چوپان، با مردی تماس گرفت و به او گفت: برادر زاده‌ات

را کتک زده‌اند و پیکر نیمه جان ش را در بیابان انداخته‌اند! در پی این تماس تلفنی بلافاصله جست و جوها برای یافتن پیکر «ح» در بیابان‌های اطراف روستای اسماعیل آباد آغاز شد و مدتی بعد بستگان «ح» او را در حالی عریان یافتند که آثار شکنجه روی بدنش نمایان بود و بخشی از گوش وی را نیز بریده بودند. پیکر نیمه جان جوان ۲۹ ساله به بیمارستان رضوی مشهد انتقال یافت اما او دقیقی بعد به کما رفت و جان سپرد. با مرگ این جوان، بلافاصله مراتب به قاضی

ویژه قتل عمد اعلام شد و بدین ترتیب گروه ورزیده‌ای از نیروهای انتظامی به فرماندهی سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سپاد) تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی عامل یا عاملان این جنایت هولناک آغاز کردند. بررسی‌های مقدماتی عوامل انتظامی بیانگر آن بود که ماجرای مذکور در یک سناریوی رمزآلود مرتبط به مواد مخدر رخ داده است. بنابر این گروه مشترکی از نیروهای تجسس و اطلاعات کلانتری سپاد وارد عمل شدند و با دستورات ویژه قاضی صادق صفری دامنه تحقیقات را به

سوی اطرافیان و نزدیکان مقتول ۲۹ ساله کشاندند. ادامه بررسی‌ها نشان داد که دایی مقتول با استفاده از تلفن یک چوپان شب هنگام با عموی «ح» (مقتول) تماس گرفته و او را در جریان رها شدن پیکر زخمی و عریان «ح» در بیابان‌های اطراف اسماعیل آباد قرار داده است. به همین دلیل نیروهای عملیاتی کلانتری با هماهنگی قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب، فاروق دایی ۳۳ ساله مقتول را در حالی دستگیر کردند که پابندهای الکتریکی داشت و به تازگی از زندان آزاد شده بود.



## جنایت هولناک در سناریوی رمزآلود

زورگیران خشن ۳ خواهر را مجروح کردند

اختصاصی خراسان

## «عقاب‌های کیمیکالی» در بند پلیس!

**سید خلیل سجادی پور** – دو گوشی قاپ‌آچایی سوار که به «عقاب‌های کیمیکالی» معروف شده‌اند در حالی با سرعت عمل نیروهای انتظامی مشهد به چنگ قانون افتادند که در ششمین دستبرد خود سه خواهر را طی یک درگیری خونبار به شدت مجروح و روانه بیمارستان کردند.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این حادثه وحشتناک جمعه شب گذشته هنگامی رخ داد که سه خواهر سوار بر تاکسی اینترنتی به سوی بولوار پنجنتن مشهد حرکت کردند اما ترافیک شدید این منطقه (که همواره موجب گلاجه و نارضایی اهالی است) سرعت خودروها را به حدی کاهش داد که تاکسی اینترنتی هم مانند دیگر خودروها به ناچار به توقف می‌شد.

اما در آن سوی خیابان دو جوان آچایی سوار مانند عقاب چشم به مسافران تاکسی اینترنتی دوخته بودند و چشم از آنان بر نمی داشتند چرا که شیشه خودرو پایین بود و زن ۵۰ ساله نیز تلفن همراهش را در دست داشت.

دو جوان موتورسوار که از ساعتی قبل مرتکب چند فقره گوشی قاپی شده بودند، اکنون در اندیشه ششمین دستبرد خود، به طرف تاکسی اینترنتی حرکت کردند و موتورسیکلت به صورت خلاف جهت در کنار خودرو قرار گرفت. در یک لحظه ناگهان سرنشین موتورسیکلت آچایی، گوشی تلفن را از دست زن ۵۰ ساله چنگ زد و راکب نیز گاز موتورسیکلت را فشرد با فریاد زن میان سال بلافاصله راننده خودرو پدال ترمز را فشرد و سه خواهر در حالی هر اسان و سراسیمه از تاکسی پیاده شدند که موتورسواران به داخل پنجنتن ۲۵ گریختند اما وقتی به انتهای کوچه رسیدند تازه متوجه شدند که این کوچه بن بست است. راکب موتورسیکلت آچایی، بی درنگ دور زد تا از مسیر دیگری بگریزد اما در این هنگام سه خواهر نیز وارد کوچه بن

بست شده بودند و تلاش کردند جلوی فرار سارقان را بگیرند. زن ۵۰ ساله دستانش را در کوچه باریک گشود تا مسیر حرکت دزدان را سد کند ولی زورگیر خشن چرخ موتورسیکلت را محکم بر پیکر مال باخته کوبید و او را نقش زمین کرد تا راه گریزی بیابد در این لحظه بود که خواهر ۴۵ ساله مال باخته گوشه تنی شرت سرنشین موتورسیکلت را کشید و آن‌ها را واژگون کرد اما ناگهان سرنشین موتورسیکلت دست زن ۴۵ ساله را گرفت و طوری پیچاند که صدای جیغ او صحنه وحشتناکی را رقم زد. این گونه بود که خواهر کوچک‌تر و وحشت زده به یاری خواهرانش شتافت و با دست خالی به طرف زورگیر جوان هجوم برد ولی او با مشت محکمی که به دهان زن ۳۳ ساله کوبید تعدادی از دندان‌هایش را فرو ریخت و دهان او را پرخون کرد.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است: همه این صحنه‌های هولناک طی چند دقیقه در حالی رخ داد که نیروهای گشت نامحسوس کلانتری گلشهر نیز با مشاهده صحنه درگیری بلافاصله به سوی خیابان پنجنتن ۲۵ حرکت کردند که راه فرار را بر راکب موتورسیکلت بستند. با دستگیری جوان ۲۶ ساله که «محمد-س» نام دارد بررسی‌ها نشان داد که همدست او پس از مجروح کردن دو خواهر از صحنه حادثه گریخته است. بنابر این گزارش، دقیقی بعد از انتقال آچایی

سوار ۲۶ ساله به مقر انتظامی، بازجویی‌های تخصصی از وی زیر نظر سرهنگ روح... شجاعی (رئیس کلانتری گلشهر) آغاز و مشخص شد که او و همدست فراری اش در چند ساعت قبل نیز گوشی قاپی‌های دیگری نیز انجام داده‌اند. این متهم متعادل به قرص‌های مخدر دار که سوابق سرعت نیز دارد و تصاویر مختلفی را بر اندامش خالکوبی کرده است، در بازجویی‌ها گفت: حدود دو هفته قبل با میثم-م (متهم فراری) در فضای سبز خیابان طبرسی ۳۸ آشنا شدیم و همان روز هم تصمیم گرفتیم تا با یکدیگر گوشی قاپی کنیم!

بعد از این رفاقت بود که در مناطق مختلف شهر سرعت می‌گردید و گوشی‌های سرقتی رانیز به یک مالخر حرفه‌ای بین ۸۰۰ تا سه میلیون و پانصد هزار تومان (بستگی به نوع و مدل گوشی) می‌فروختیم! وی با بیان این که موتورسیکلت آچایی قرمز رنگ به خودش تعلق دارد، در ادامه بازجویی‌ها افزود: مدتی است که از شهرستان کلات به مشهد آمده‌ام و در منزل خواهرم سکونت دارم و قبل از دستگیری پنج دستگاه گوشی تلفن در مناطق خیابان شهیدفتح، صدمتری، اطراف میدان شهید فهمیده، بولوار اندیشه و کوثر نیز سرعت کرده‌ایم...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان،



تصویر اشیای سرقتی

در پی اعترافات متهم و با دستورات ویژه قضایی بلافاصله عملیات دستگیری زورگیر فراری در دستور کار افسران ورزیده دایره تجسس کلانتری گلشهر قرار گرفت. طولی نکشید که چندین یاتوق خلأفکاران به محاصره درآمد اما او در این مکان‌ها حضور نداشت. از سوی دیگر با توجه به اهمیت و حساسیت مقابله با جرایم خشن موجب شد تا رئیس پلیس مشهد در همان نیمه‌های شب، دستورات محرمانه‌ای را برای ردیابی و رصد های اطلاعاتی ویژه صادر کند که بدین ترتیب همه عوامل کلانتری به حالت آماده‌باش درآمدند و عملیات رده‌نی زورگیر فراری تاسیسیده دم به طول انجامید. در همین هنگام

جوان به کلانتری، بررسی‌های پلیسی درباره این ماجرای وحشتناک ادامه یافت و مشخص شد که این متهم سابقه دار نیز از تیهکاران حرفه‌ای است در همین حال رئیس پلیس مشهد با تایید خبر دستگیری «عقاب‌های کیمی کال» به خراسان گفت: با توجه به تاکید سردار محمد کاظم تقوی (فرمانده انتظامی خراسان رضوی) برای مبارزه قاطع با زورگیران و مخلان نظم و امنیت در مشهد، گروه‌های گشت نامحسوس سامان دهی و تقویت شده‌اند تا به صورت شبانه روزی به گشت زنی در حوزه‌های استحقاقی بپردازند. سرهنگ احمد نگهبان افزود: به همین دلیل قبل از اعلام ماجرای زورگیری آچایی سواران به پلیس ۱۱۰، بلافاصله نیروهای گشت نامحسوس در محل حضور یافتند و یکی از سارقان را در حال درگیری با مال باختگان دستگیر کردند. مقام ارشد انتظامی مشهد با اشاره به اعترافات متهمان افزود: تا کنون هشت شاکی به کلانتری گلشهر مراجعه و آنان را شناسایی کرده‌اند اما پلیس احتمال می‌دهد که آن‌ها زورگیری و سرقت‌های بیشتری مرتکب شده‌اند که بررسی‌های تخصصی در این باره همچنان ادامه دارد. «کلیددار امنیت مشهد» تصریح کرد: زورگیران سه خواهر را مجروح کرده‌اند که پس از حضور نیروهای انتظامی در صحنه حادثه و هماهنگی با امدادگران اورژانس، به مرکز درمانی منتقل شدند. وی از شاکیان و مال باختگانی که با این شیوه هدف گوشی قاپی قرار گرفته‌اند، درخواست کرد برای شناسایی زورگیران به دایره تجسس کلانتری گلشهر مراجعه کنند.



## شگرد برنده شدن هنوز قربانی می‌گیرد!

برداشت غیرمجاز ۸۴۰ میلیون ریال از حساب بانکی اش، به این پلیس مراجعه و طرح شکایت کرد. وی افزود: در این زمینه، فرد کلاهبرداری تماس تلفنی با قربانی خود بحث برنده شدن در قرعه‌کشی خوش حسابی همراه اول را مطرح و پس از اغفال و گرفتن رمز حساب کاربری او به فعال سازی اینترنت بانک قربانی و سپس برداشت غیرمجاز ۸۴۰ میلیون ریال اقدام کرده بود. وی افزود: پس از دریافت اظهارات شاکی و با بررسی‌های تخصصی، متهم در یکی از استان‌های شمالی کشور شناسایی و پرونده تکمیل و به اس سال کنند.

دستگاه قضایی ارجاع شد. این مسئول انتظامی در این خصوص به مردم توصیه کرد: هرگز به پیامک‌ها یا تماس‌های تلفنی با عنوان برنده شدن در قرعه‌کشی توجه نکنید و هیچ‌گاه اطلاعات حساب‌های بانکی و کدهای محرمانه‌ای را که توسط بانک‌ها برای شما ارسال می‌شود در اختیار دیگران قرار ندهید چرا که در صورت برنده شدن در مسابقات و قرعه‌کشی‌ها هیچ ضرورتی ندارد که شهروندان برای دریافت جایزه خود مبلغی را پرداخت یا اطلاعات حساب بانکی خود را برای کسی

در امتداد تاریکی

### ماجرای دختری در لانه مرگ!

مادرم در حالی بعد از طلاق سرپرستی من و خواهر و برادرم را به عهده گرفت که خودش نیز دچار مشکلات عاطفی و اقتصادی شدیدی بود به همین دلیل وقتی فهمیدم به عقد موقت یک پسر مجرد درآمده است دیگر طاقت نیاوردم...

به گزارش روزنامه خراسان این‌ها بخشی از اظهارات دختر ۱۵ ساله‌ای است که به دلیل عوارض شدید و مسمومیت ناشی از مصرف مشروبات الکلی در یکی از بیمارستان‌های مشهد بستری شده بود. این دختر نوجوان که با تلاش پزشکان از مرگ نجات یافته بود پس از انتقال به مقر انتظامی به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری آبکوه مشهد گفت: از روزی که دست راست و چپم را شناختم شاهد درگیری‌های پدر و مادرم بودم که مدام با یکدیگر جنگ و جدال داشتند به همین دلیل هیچ گاه در زندگی‌ام طعم محبت را نچشیدم یا دست نوازش پدر و مادرم را بر سرم احساس نکردم.

خلاصه این ناسازگاری‌ها و توهین و فحاشی‌ها به جایی رسید که پنج سال قبل بالاخره پدر و مادرم از یکدیگر طلاق گرفتند اما قاضی دادگاه سرپرستی من و خواهر و برادرم را به مادرم سپرد چرا که پدرم اعتیاد شدیدی به مواد مخدر داشت و تنها به فکر خودش بود بالاخره پدرم به دنبال سر نوشت خودش رفت و مادرم که اهل تهران بود بعد از این ماجرا تصمیم گرفت نزد خانواده‌اش برود و در تهران زندگی کند ولی پدر بزرگ‌اب‌پاک‌ی را روی دستانش ریخت و به مادرم گفت حق نداری فرزندان سیاهش را به منزل ما بیاوری اگر دوست داری در کنار ما زندگی کنی باید فرزندان‌ت را به خانواده سیاهش (پدرم) بسپاری اما مادرم که برای به دست آوردن سرپرستی ما تلاش زیادی کرده بود نمی‌توانست جگر گوشه‌هایش را در مشهد رها کند و خودش به تهران برود به همین دلیل تصمیمش را تغییر داد و خانه‌ای را در مشهد اجاره کرد.

او با سرمایه‌اندکی که داشت و اندک مبلغی که پدرم به عنوان نفقه می‌پرداخت مخارج زندگی را تأمین می‌کرد اما با آن که خواهر و برادرم از من کوچک‌تر بودند و در مقطع ابتدایی تحصیل می‌کردند باز هم روزگار مان به سختی می‌گذشت در این شرایط بود که سال گذشته به طور اتفاقی متوجه شدم مادرم به عقد موقت پسر مجردی درآمده است آن روز روح و روانم به هم ریخت و بسیار عصبانی شدم چرا که مادرم در این تماس تلفنی به همسرش یادآوری می‌کرد که عصر هنگام، بچه‌ها به دیدار پدرشان می‌روند و از او می‌خواست فیهرست مواد غذایی را در مسیر خریداری کند این ماجرا مرا درگراگون کرد تا جایی که برای اولین بار از خانه فرار کردم دو سه شب در پارک‌ها و کوچه و خیابان سرگردان بدم‌دمی در همین چند روز آن چنان دلم برای خواهر و برادرم تنگ شد و نگرانی و غصه‌های مادرم مقابل چشمانم قرار گرفت که به ناچار به خانه باز گشتم. آن شب وقتی به مادرم اعتراض کردم که چرا با یک پسر مجرد ازدواج کرده است او فقط اشک ریخت و گفت: به دلیل آن که سایه مردی بالای سرم باشد من هم در زندگی هیچ مهر و عاطفه‌ای ندیدم چرا که برای فرار از مشکلات زندگی در خانه پدرم با سیاهش ازدواج کردم که او هم سرنوشت مرا در مسیر تباهی قرار داد و حالا دوست دارم همدمی را در کنار خودم داشته باشم و... اما برای من در این سن و سال این حرف‌ها قابل تحمل نبود و نمی‌توانستم این جملات را درک کنم. این ماجرا‌ها به سردی روابط عاطفی بین من و مادرم منجر شد تا جایی که دوباره از خانه فرار کردم تا به قول خودم به دنبال سرنوشت و رویاهای خودم بروم همان شب اول به یکی از پارک‌های معروف مشهد رفتم و در آن جا با چند دختر و پسر جوان آشنا شدم که شرایطی همانند من داشتند و سرگشت و زندگی‌های ما به یکدیگر شبیه بود. آن شب یکی از همان نوجوانان پارک نشین به من پناه داد و مرا به یاتوق خودشان برد. آن جبرای اولین بار سیگاری را به دستم دادند تا به قول معروف آرامش خاطر پیدا کنم و اعصابم از این همه درگیری برای لحظاتی رها شود.

حالا حدود دو هفته از ماجرای فرارم می‌گذشت که شبی آن‌ها بساط مشروب خوری به راه‌انداختند و مرا هم ترغیب به مصرف کردند تا به خیال خودمان غم دنیا را فراموش کنیم! ولی من که از فرجام این گونه خلافتکاری‌ها اطلاعی نداشتم بعد از مصرف مقداری از مشروبات الکلی دچار مسمومیت شدید شدم تا جایی که دیگر بیهوش بودم و چیزی نمی‌فهمیدم دوستانم از ترس این که من مرده‌ام، با اورژانس تماس گرفته بودند و من بعد از چند ساعت زمانی به خود آمدم که روی تخت بیمارستان قرار داشتم طولی نکشید که نیروهای انتظامی به سراغم آمدند و مرا به کلانتری انتقال دادند. حالا هم از رفتار اشتباهم بسیار ششمانم... گزارش روزنامه خراسان حاکی است با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ ابراهیم خواجه‌پور (رئیس کلانتری آبکوه) نیروهای روان‌شناختی و سبب‌شناسی رفتاری در باره این نوجوان ۱۵ ساله به مشاوران زنده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد و همچنین رسیدگی قانونی و قضایی در این پرونده ادامه یافت.

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**



**آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقشه گران**

شرکت پتروشیمی خراسان (سهامی عام) در نظر دارد پروژه خط انتقال پساب خروجی تصفیه خانه فاضلاب شهر بجنورد به روستای قارلق رسوب گیر بند قارلق پتروشیمی خراسان به روش مهندسی، خرید و ساخت (EPC) را به پیمانکار واجد صلاحیت واگذار نماید. پیمانکاران واجد شرایط، می توانند نسبت به دریافت اسناد ارزیابی کیفی با مراجعه به سایت [www.khpc.ir](http://www.khpc.ir) اقدام و تا پایان وقت اداری ۱۰ مهر ۱۴۰۱ پس از تکمیل اسناد همراه با مدارک مورد نیاز به نشانی ذکر شده در آدرس ذیل همین آگهی ارسال نمایند.

ضمناً در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۱۳۳-۰۵۸ داخلی ۲۷۸۰ و ۲۶۹۵ تماس حاصل فرمایند.

**توضیحات:** دریافت اسناد و تحویل مدارک هیچگونه حقی برای متقاضیان جهت دعوت به مناقسه ایجاد نخواهد نمود. آدرس محل تحویل اسناد: دبیرخانه حراست مجتمع پتروشیمی خراسان واقع در بجنورد کیلومتر ۱۷ جاده بجنورد به شیروان تلفن تماس ۳۱۳۳-۰۵۸.

**روابط عمومی شرکت پتروشیمی خراسان (سهامی عام)**